

مفهوم توسعه اجتماعی

محمد عبداللهی^۱

چکیده

در این مقاله برای بازنگری تعریف «توسعه اجتماعی» و متمایز کردن این مفهوم از مفاهیم خویشاوندش، نخست ماهیت و ویژگیهای اصلی حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی تشریح و در قالب آن حوزه اجتماع مشخص می‌شود که موضوع اصلی توسعه اجتماعی است. آنگاه ضمن ارائه تعریفی دقیق و تخصصی از توسعه اجتماعی به بیان هستی‌شناسی یا وضعیت گذشته و موجود، هدف‌شناسی یا وضعیت مطلوب، و امکان‌شناسی یا مقدرات و محدودیت‌های آن پرداخته می‌شود و سرانجام روندهای آتی توسعه اجتماعی در ایران، در قالب سه سناریوی محتمل پیش‌بینی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: توسعه؛ توسعه اجتماعی؛ انسجام و همبستگی جمعی عام؛ اجتماع عام؛ هویت جمعی عام

۱. مقدمه

در منابع موجود اصطلاح «توسعه اجتماعی» در منابع موجود با تعابیر و تعاریف متفاوتی به کار رفته است که معرف دو رویکرد عام و خاص است. در رویکرد عام، توسعه اجتماعی و گاهی هم مترادف با توسعه انسانی از توسعه غیراجتماعی یا فنی متمایز شده ولی با دیگر انواع توسعه، به‌ویژه توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل پیدا کرده است. در رویکرد خاص، مفهوم توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه و متمایز از توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به کار رفته است. ولی هنوز مؤلفه‌ها، شاخصها، معرفیها و عوامل خاص آن به طور دقیق مشخص نشده‌اند.

۲. مبانی نظری و تجربی توسعه اجتماعی

موضوع توسعه اجتماعی در دیدگاهها و آثار اغلب صاحب‌نظران جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به طور ضمنی یا صریح مطرح شده است. دورکیم در کتاب *تقسیم کار/اجتماعی* جوامع را به دو دسته سنتی و صنعتی یا مدرن تقسیم می‌کند. جوامع سنتی دارای تقسیم کار ساده مبتنی بر معیارهای محول چون سن و جنس و نظم انتظامی مبتنی بر تشابه‌پذیری از نظر وجدان جمعی است. این وجدان جمعی رنگ غالب مذهبی دارد. ولی جوامع مدرن دارای تقسیم کار گسترده و عمیق مبتنی بر معیارهای محقق چون تخصص و انسجام و نظم ارگانیک مبتنی بر تفاوت‌پذیری است. در این نوع جوامع، نهادهای مدنی و اخلاق مدنی به‌عنوان شاخصهای توسعه اجتماعی جایگاه و اهمیت بسیار قابل توجهی پیدا می‌کنند (۱۹۳۳).

صاحب‌نظران معاصر هم روی برخی از شاخصهای توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند. پارسونز، اجتماع جامعه‌ای (۱۹۷۷)؛ کلمن، سرمایه اجتماعی (۱۹۹۴)؛ الکساندر، جامعه مدنی (۱۹۹۰)؛ مورن، هویت انسانی (۱۳۸۲)؛ بوردیو، کنش اجتماعی (۱۹۷۷)؛ دارندورف، انسان اجتماعی؛ هابرماس، گستره همگانی، ارتباطات اجتماعی و عقلانیت ارتباطی (۱۹۹۱ و ۱۹۷۹)؛ گیدنز، هویت شخصی و سرمایه اجتماعی (۱۹۹۱)؛ کرایب، تجربه هویت (۱۹۹۸)؛ جنکینز، هویت اجتماعی (۱۹۹۶)؛ بورک، اعتماد، تعهد و عزت نفس (۱۹۹۹، ۲۰۰۲)؛ آرچر، انسان بودن (۲۰۰۱) را مطرح کرده‌اند.

موضوع توسعه اجتماعی^۱ در ایران هم بیشتر از لحاظ برخی از شاخصهای آن نظیر هویت و اعتماد اجتماعی و ... مورد توجه قرار گرفته است (اشرف، الف، ۱۳۷۲؛ فراستخواه، م، ۱۳۷۲؛ الطائی، ع، ۱۳۷۸؛ قادری، ح، ۱۳۸۱؛ احمدی، ح، ۱۳۸۱؛ چلبی، ۱۳۸۲).

در سال ۱۹۹۵ مفهوم توسعه اجتماعی^۱ در بیانیه و اولین دستورالعمل کنه‌هاگ، به ویژه در ارتباط با مبارزه با فقر مورد توجه قرار گرفت. این بیانیه مسئولیت اصلی

مقابله با فقر را بر عهده دولتهای ملی قرار می‌دهد ولی بر اجتماع بین‌المللی هم به عنوان ناظر تأکید می‌کند.

پنج سال بعد، در نشست نمایندگان کشورها در ژنو این موضوع مورد توجه قرار گرفت و مقرر شد هر پنج سال یک‌بار برنامه‌های اجرا شده در جهت توسعه اجتماعی ارزشیابی و میزان تحقق اهداف توسعه اجتماعی پی‌گیری شود.

در بیانیه ژنو نظارت اجتماع بین‌المللی بر رعایت حقوق بشر، بخشودگی بدهیهای خارجی کشورهای فقیر، تجارت خارجی کشورها، سرمایه‌گذاری در بخشهای اجتماعی، و نقش بانک جهانی مورد توجه قرار گرفت.

در این بیانیه برای توسعه اجتماعی و ارزشیابی میزان تحقق آن شاخصهایی چون دسترسی به خدمات آموزشی، درصد جمعیت باسواد، طول عمر، میزان مرگ و میر نوزادان، سوء تغذیه و تغذیه مناسب، سطح بهداشت و کنترل بیماریها، مسکن مناسب، برابری زن و مرد و ... مطرح شد.

در اینجا هم بین عوامل و شاخصهای توسعه و شاخصهای توسعه اجتماعی با توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل وجود دارد و توسعه اجتماعی مترادف با سیاست‌گذاریهای اجتماعی^۲ و گاهی تحت عنوان توسعه انسانی^۳ و در عمل به معنی مقابله با فقر و نابرابری است. بنابراین تا این مسئله از لحاظ علمی حل نشود در بعد عملی و اجرایی نیز حل نخواهد شد.

۳. چارچوب مفهومی

در فرایند مرور دیدگاههای نظری و منابع تجربی هم‌زمان با فرایند تقسیم کار، تفاوت‌پذیری امور، و تخصصی‌شدن علوم، هرچه از گذشته به حال نزدیک‌تر می‌شویم، گرایش به تدقیق مفاهیم و به‌کارگیری آنها در معانی اخص خود بیشتر شده است. به‌طوری که امروزه برحسب حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی، حداقل با چهار نوع توسعه در چهار حوزه حیات اجتماعی سروکار داریم که در فرایند

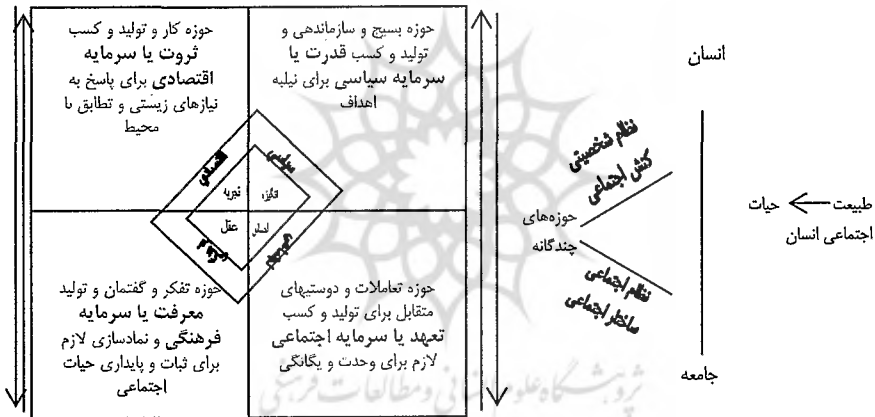
توسعه ملی هر جامعه‌ای با یکدیگر تعامل، نفوذ، ارتباط، و همبستگی متقابل دارند. ولی هویت، استقلال نسبی منطق درونی و ویژگیهای خاص خود را نیز دارند. ماهیت، قلمرو، مؤلفه‌ها، شاخصها و توسعه را در این حوزه‌های چهارگانه می‌توان به شرح زیر متمایز از یکدیگر ترسیم کرد (شکل ۱).

الف. توسعه سیاسی:

- بسط آزادی
- مردم‌سالاری
- مشارکت جمعی عام
- همگامی و همسویی در پیگیری
- و تحقق اهداف جمعی

ب. توسعه اقتصادی:

- بسط عقلانیت ابزاری،
- مهارت و تکنیک
- بهره‌برداری بهینه از منابع
- کاهش آنتروپی
- محرومیت‌زدایی
- همزیستی بهتر



ج. توسعه اجتماعی (اجتماعی):

- بسط، تعریض و تحکیم اجتماع جامعه‌ای (اجتماع اجتماعات)
- (جامعه مدنی و مفهوم شهروندی)
- همبستگی و انسجام جمعی عام
- اخلاق و تعهد جمعی عام
- هویت جمعی عام
- احترام متقابل
- پذیرش تفاوتها
- همدلی و اعتماد اجتماعی عام

د. توسعه فرهنگی:

- بسط و تولید و تبادل و ذخیره اطلاعات
- خردورزی، عقلانیت فرهنگی
- ← وفات فرهنگی
- همفکری بیشتر

شکل ۱-۱ ابعاد توسعه سیاسی

همان طوری که در شکل ۱ مشاهده می‌شود حوزه اجتماعی که حوزه انسجام و یگانگی است به‌رغم داشتن ارتباط متقابل و تعامل با سایر حوزه‌های خود نیز هویت و استقلال نسبی و منطق درونی خاص خود را دارد و به عنوان یک واقعیت اجتماعی قابل مطالعه است. این امر تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است و در نتیجه امروز با تأخر یا پس افتادگی شدید اجتماعی روبه‌رو هستیم که پیامدهای آن به صورت انواع آسیبهای اجتماعی، طراوات و شادابی حیات اجتماعی را تهدید کرده است.

پس مفهوم اجتماعی یا اجتماعی^۴ به معنی اخص کلمه ناظر به اجتماع جامعه‌ای^۵ به عنوان یکی از حوزه‌های چهارگانه‌ی حیات اجتماعی، انسان در هر جامعه است. توسعه اجتماعی هم به معنی بسط و تعریض و تحکیم همین اجتماع جامعه‌ای است. توسعه اجتماعی با این مضمون کارکرد اصلی اجتماع جامعه‌ای و مکمل توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. امروز توسعه ملی یا متوازن و همه‌جانبه در هر جامعه ناظر به فرایندی است که در آن هر چهار بعد حیات اجتماعی همزمان و در ارتباط متقابل با هم مطرح نظر قرارگیرند. البته همان طوری که در دیدگاههای نوین امروزی مطرح شده است، در هر یک از این ابعاد بین جنبه‌های عینی و ذهنی یا سطوح خرد و کلان تعامل و درهم‌تنیدگی وجود دارد به طوری که هیچ یک جدای از دیگری نیست.

اکنون با روشن شدن این دو مفهوم باید سه نکته اساسی دیگر هم روشن شود:
اول) هستی‌شناسی توسعه اجتماعی یعنی توصیف وضعیت موجود اجتماع جامعه‌ای که موضوع، مبنا، نقطه عزیمت و مبدأ حرکت است. در اینجا با ویژگیهای موجود اجتماع جامعه‌ای ایران سروکار داریم.

دوم) هدف‌شناسی توسعه اجتماعی یعنی ترسیم وضعیت مطلوبی که می‌خواهیم به آنجا برسیم. در اینجا هم با مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و معرفهای توسعه یعنی بعد هنجاری توسعه سروکار داریم.

سوم) امکان‌شناسی توسعه اجتماعی یعنی ارزیابی مقدرات و محدودیت‌هایی که در گذار از وضعیت موجود به مطلوب با آنها روبه‌رو هستیم، در اینجا با عوامل و موانع یعنی بعد اثباتی توسعه سروکار داریم.

براساس هر یک از نکات فوق می‌توان پرسشهای اصلی و پاسخهای زیر را مطرح کرد:

پرسش اول - وضعیت موجود اجتماع جامعه‌ای در ایران چگونه است؟

اجتماع جامعه‌ای در ایران مشتمل بر مجموعه‌ای از اجتماعات یا «ماهای» بسیار متعدد، متنوع، و بعضاً متناقض است که می‌توان آنها را به طرق مختلف از جمله به‌طریق زیر در قالب شکل ۱۰-۲ طبقه‌بندی کرد:

اجتماعات سازمانی یا تملقات سازمانی که در واقع اجتماعاتی رسمی و غیرطبیعی‌اند. روابط افراد رسمی، سرد و عقلانی است. در ایران این نوع اجتماعات و تملقات بسیار ضعیف‌اند، به‌طوری‌که تحت‌الشعاع اجتماعات غیررسمی قرار دارند. افراد، روابط خانوادگی و ایلی و قومی خود را از اجتماعات غیررسمی به این اجتماعات می‌آورند و در نتیجه ضوابط عقلانی و مصالح سازمانی تحت‌الشعاع روابط خانوادگی، ایلی، قومی قرار می‌گیرد.

این اجتماعات، واسطه بین اجتماعات رسمی و غیررسمی و تنظیم‌کننده روابط بین آنها هستند. به‌طوری‌که افراد قبل از ورود به بخش رسمی باید با ورود به این انجمنها با اصول و قواعد عمل جمعی یا اخلاق مدنی و حرفه‌ای آشنا شوند و به‌عنوان نماینده اجتماع انجمنی مستقل خود عمل نمایند. ولی در ایران این گونه نهادهای مستقل مدنی بسیار ضعیف‌اند و لذا بین دو بخت رسمی و غیررسمی خلأ بزرگی وجود دارد که منبع اصلی نابسامانی یا انومی اجتماعی و پیامدهای حاصل از آن، همچون جمع‌گراییهای خاص گرایانه و فردگراییهای خودخواهانه و انواع کژکار کردیها و کژکرداریهاست.

این نوع اجتماعات محیط طبیعی یا غیررسمی حیات اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهند. در این اجتماعات روابط گرم، عاطفی، تملقات و وابستگیها بسیار شدید است. این نوع اجتماعات وجه غالب اجتماع جامعه‌ای ایران را تشکیل می‌دهند و تمییزکننده خاص گراییهای فرهنگی و اجتماعاتند.

- انجمنهای علمی
- احزاب سیاسی
- شوراهای اجتماعی
- اتحادیه‌های صنفی

(۲) رسمی

(۳) بنیابین یا اجتماعات انجمنی مستقل (جامعه مدنی)

اجتماعات (فعلی)

(۱) غیر رسمی

گروهها و اقنار اجتماعی، قومی، خانوادگی و ...

شکل ۱۰-۲ طبقه‌بندی اجتماعات

۴. مسائل و مشکلات اجتماع جامعه‌ای در ایران

اهم مسائل و مشکلات اجتماع جامعه‌ای در ایران را می‌توان به شرح زیر مطرح کرد:

(۱) غلبه ارزشهای ابزاری (ثروت و قدرت) بر ارزشهای ذاتی (تعهد و موقت) و در اولویت قرار گرفتن توسعه عقلانیت ابزاری یا اقتصادی در مقایسه با توسعه عقلانیت ارتباطی (اجتماعی)؛

(۲) عقب ماندگی و تأخر اجتماع جامعه‌ای نسبت به سایر حوزه‌های جامعه؛

(۳) تعدد، تنوع و تعارض اجتماعات، الگوها و قواعد عمل جمعی موازی با هم که منبع و منشأ نابسامانی و آنومی اجتماعی‌اند و در شرایط موجود نیز تعارض بین نخبگان این وضعیت را تشدید کرده است؛

(۴) کثرت امر و نهی و تورم اجتماعی که بعضاً از لحاظ نظری و عملی متناقض‌اند؛

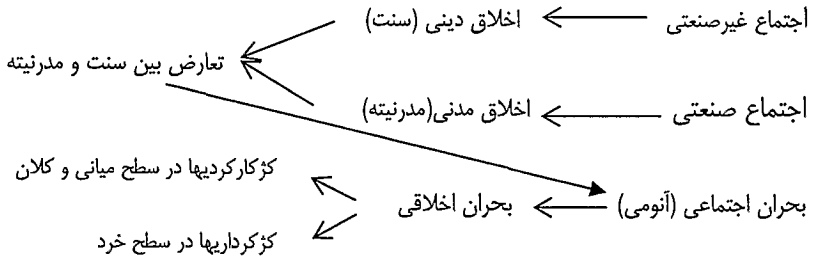
(۵) خاص‌گرایی‌های خانوادگی، طایفه‌ای، قومی و احساس تعهد و تکلیف در برابر اجتماعات غیررسمی کوچک و تقدم منافع خاص‌رایانه فردی، خانوادگی و قومی بر مصالح جمعی عام، جمع‌گرایی خاص‌رایانه در اجتماعات کوچکتر و فردگرایی خودخواهانه در اجتماعات بزرگتر؛

(۶) چندگانگی ساختاری- ساخت قطاعی و شدت روابط درون‌گروهی و ضعف روابط برون‌گروهی یا بین‌گروهی که زمینه‌ساز تعارضات میان‌گروهی و نزاعهای جمعی است؛

(۷) نظم انتظامی مبتنی بر تشابه‌پذیری در شیوه‌های احساس، اندیشه، و عمل توأم با فشار بیرونی خشونت‌آمیز؛

(۸) چندگانگی‌های شخصیتی و رواج تظاهر، تملق، دروغ، و تزویر.

(۹) همانطوری که در شکل ۳ ملاحظه می‌شود سرخوردگی‌های روانی، نارضایتی عمومی و برون‌گرایی، هنجارشکنی، قانون‌گریزی، قانون‌ستیزی و آسیب‌پذیری در برابر تهاجمات فرهنگی، افزایش بحرانهای اجتماعی و به ویژه بحران اخلاقی که امروز به بروز انواع خشونت‌ها و کژکارکردها و کژکرداریها در سطوح کلان، میانی و خرد منجر شده است.



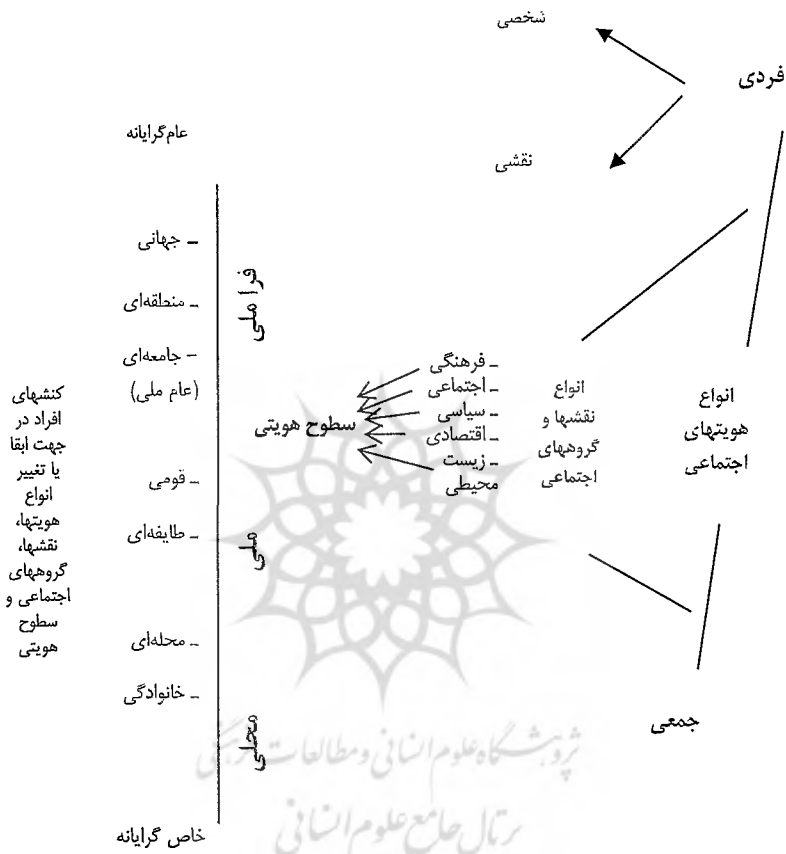
شکل ۱۰-۳ زمینه‌های بحران اخلاقی

در جامعه در حال گذاری چون ایران که هنوز مدرنیته و وحدت ملی را آن طوری که باید و به صورت تجربه نکرده است، ترویج دیدگاه‌های پسامدرنیته در توجیه خاص‌گراییهای فرهنگی و اجتماعی و تشدید مسائل و نابسامانیهای فوق بی تأثیر نبوده است.

پرسش دوم - وضعیت مطلوب چیست؟

تصویر کلی وضعیت مطلوب و موزد نظر توسعه اجتماعی یعنی بسط و تعریض و تحکیم اجتماع جامعه‌ای - اجتماع بزرگ‌تر و تعهد اجتماعی عام‌تر را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد:

- انسجام جمعی عام - نظم اجتماعی انسجامی مبتنی بر تفاوت‌پذیری با حفظ هویتها؛
- تسامح و رواداری؛
- هویت جمعی عام جامعه‌ای به‌عنوان منظر نگاه به درون و بیرون و پایه‌ی اساسی تنظیم روابط درونی و برونی جامعه.



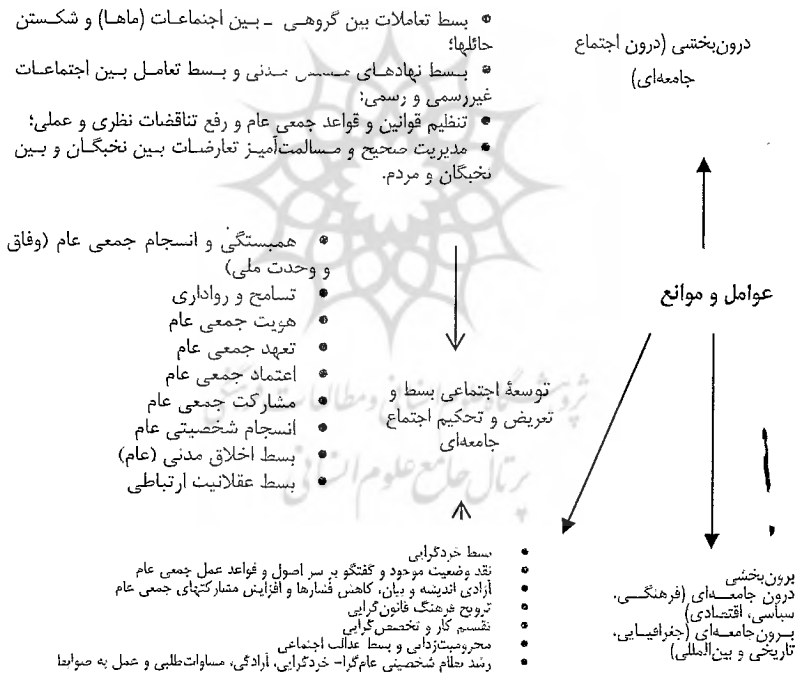
شکل ۱۰-۴ انواع هویت‌های اجتماعی

در بحث سلسله مراتب هویتها و تعامل بین آنها و ضرورت انسجام بین انواع و سطوح هویتی که امروز مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفته است، با شاخصهایی چون:

- انسجام جمعی عام و تعهد جمعی تعمیم‌یافته بر سر اصول و قواعد عمل جمعی عام و تحقق جامعه مدنی و مفهوم شهروندی و وفاق و سینرژی حاصل از آن؛

- هویت جمعی عام؛
- اعتماد اجتماعی عام؛
- یگانگی نظام شخصیتی و خودیابی؛
- بسط اخلاق و همبستگی اجتماعی عام؛
- توسعه عقلانیت ارتباطی

سپروکار داریم که تحقق آنها مشروط به شرایطی چون محدودیتها یا موانع توسعه اجتماعی است که در بحث امکان‌شناسی توسعه باید در همه سطوح خرد، میانی، و کلان مورد توجه قرار گیرند. پرسش سوم: برای گذار از وضعیت موجود با چه محدودیتها یا موانعی روبه‌رو هستیم؟



شکل ۱۰-۵ موانع اصلی توسعه اجتماعی

۵. پیش بینی روندهای آتی یا دورنمای آینده

۵. الف. سه سناریوی محتمل

روندهای آتی توسعه اجتماعی ایران را می‌توان در قالب سه سناریو به شرح زیر پیش‌بینی کرد:

- (۱) تداوم وضعیت موجود - احتمال بسیار ضعیف؛
- (۲) بدتر شدن وضعیت موجود - محتمل؛
- (۳) بهبود وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب - محتمل ولی مشروط به:
 - شناخت مسائل و مشکلات موجود؛
 - ترسیم دورنمای آینده - تعیین اهداف توسعه اجتماعی؛
 - امکان‌شناسی و ارزیابی دقیق مقدرات و محدودیتها (عوامل و موانع)؛
 - برنامه‌ریزی عملی برای توسعه اجتماعی.



شکل ۱۰-۶ اصول و فرایند عام برنامه‌ریزی علمی توسعه اجتماعی

با توجه به مطالب مورد اشاره چنین به نظر می‌رسد که در جامعه در حال گذار ایران توجه به توسعه اجتماعی از اهمیت و ضرورت علمی و اجتماعی خاصی برخوردار است. جامعه امروزی

ایران از پس افتادگی شدید اجتماعی و ساختاری رنج می‌برد. ساختارهای اجتماعی غالب در جامعه با ارزشها و اهداف عام مورد توجه مردم به ویژه جوانان مطابقت ندارند و به همین علت هنجارشکنی و واپس‌گرایی روندی رو به تزاید پیدا کرده است. چنانچه تحولات و اصلاحات ساختاری صورت نگیرد و توسعه اجتماعی به معنی تعریض و تحکیم اجتماع عام، تقویت انسجام، همبستگی، اخلاق عمومی، جامعه مدنی، اعتماد اجتماعی، و بسط هر چه بیشتر سرمایه اجتماعی تحقق نیابد در آینده‌ای نه چندان دور علاوه بر آسیبها و نابسامانیهای اجتماعی با طغیان نسل جوان نیز روبه‌رو خواهیم شد. بنابراین اصحاب علوم اجتماعی باید روی مؤلفه‌ها، شاخصها و معرفتهای توسعه اجتماعی و مکانیسمهای تحقق آن کار کنند و مسئولان برنامه‌ریزی نیز نتایج حاصل از این تحقیقات را به کار گیرند تا توسعه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد بسیار مهم توسعه متوازن و همه جانبه ایران هم در بعد علمی و هم در بعد عملی و اجرایی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. آ

فهرست منابع

الف. فارسی

- احمدی، حمید، (۱۳۸۱). «جهانی‌شدن و هویت قومی یا هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱.
- اشرف، احمد، (۱۳۷۲). «هویت ایرانی»، مجله ایران فردا، شماره ۶.
- بوردیو، پی‌یر، (۱۳۷۸). «تئوریهای بازتولید اجتماعی و فرهنگی در آموزش و پرورش»، مجله ارغنون، شماره ۹ و ۱۰.
- تورن، آلن، (۱۳۸۰). *نقد مدرنیته*، ترجمه مردیها، تهران: گام نو.
- داروندورف، رالف، (۱۳۷۱). *انسان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه خدیوی، تهران: نشر آگاه.
- دورکیم، امیل، (۱۹۵۵). *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، بابل: کتابسرای بابل.
- الطائی، علی، (۱۳۷۸). *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: نشر شادگان.
- فراستخواه، مقصود، (۱۳۷۲). «تأملی در پارادوکسهای هویت و اقتباس»، مجله ایران فردا، شماره ۵.

قادری، حاتم، (۱۳۸۱). «چالشهای دولت و هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱.

گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
مورن، ادگار، (۱۳۸۲). *هویت انسانی*، ترجمه نیکبئی، تهران: قصیده سرا.

ب. منابع لاتین

- Alexander, Jeffrey, (1990). "Real Civil Societies: The Dilemmas of Institutionalism", *Sage Studies in International Sociology*, 48.
- Archer, Margaret, (2001). *Being Human, The Problem of Agency*, Sage Publication.
- Bourdieu, P.,. (1977). "Outline of a Theory of Practice", *Cambridge Studies in Social and Cultural Anthropology*, 16.
- Castells, Manuel, (1993). *The Power of Identity*, Blackwell Publishers.
- Coleman, James, (1994). *Foundation of Social Theory*, Harvard University Press.
- Craib, Ian, (1998). *Experiencing Identity*, Sage Publication.
- Giddens, A., (1991). *Modernity and Self Identity*, Cambridge: Polity Press.
- Habermas, Jergan, (1979). *Communication and the Evolution of Society*, Translated by McCarthy, Boston Press.
- Habermas, Jergan, (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere*, Translated by Burger, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Jenekins, R. (1996). *Social Identity*, London: Routledge.
- Parsons, Talcott, (1966). *Societies, Evolutionary and Comparative Perspective*, New -Jersey: Prentice Hall.
- Touraine, Alain, (2002). *Can We Live Together: Equality and Difference*, Polity Press.

یادداشتها

-
۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، نشانی الکترونیکی: Mohammad@abdollahi.ows